



The effectiveness of parenting practices on mothers in improving the responsibility of adolescent girls

Jafar Akbari, Asghar Jafari✉

Abstract

Background and Aim: The purpose of this study is to teach parenting styles to mothers in improving the responsibility of adolescent girls.

Methods: The present study is quasi-experimental pre-test-post-test with a randomly assigned control group that among the mothers of female high school students referred to the Education Counseling Center of Tehran district 4, a sample of 40 mothers of these students were randomly placed in two study and control groups (20 people). And the study group was exposed to an independent variable parenting styles training. Before performing therapeutic interventions on mothers, the daughters of both groups of these mothers completed the Nemati & Karami (2007) responsibility questionnaire, and after 7 sessions of 90 minutes, the girls of both groups answered the responsibility questionnaire simultaneously. The data were analyzed using Spss-19 and analysis of covariance test. **Results:** The results also showed that parenting styles' training to mothers increased the subscales of self-management, orderliness, regularity, trustworthiness, and conscientiousness in the study group ($p < 0.001$). And it had little effect on the subscales of organization and progressiveness ($p > 0.05$).

Conclusion: The results showed that teaching parenting styles to mothers in the study group improved responsibility in the study sample so that the scores of responsibility.

Received: 03.05.2020

Revision: 30.06.2020

Acceptance: 15.07.2020

Keywords:

Parenting Styles,
Responsibility, Adolescent
Girls

How to cite this article:

Akbari, J., & Jafari, A. The effectiveness of parenting practices on mothers in improving the responsibility of adolescent girls. *Jayps*, 2021, 1(1): 93-105

Article type

Original research

1. **Jafar Akbari**, Graduate of Counseling, Faculty of Psychology and Counseling, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran; 2. **Asghar Jafari**: Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Humanities, Kashan University, Iran

✉ Correspondence related to this article should be addressed to **Asghar Jafari** Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Humanities, Kashan University, Iran
Email: as_jafari@sbu.ac.ir

اثر بخشی شیوه‌های فرزندپروری به مادران در بهبود مسئولیت‌پذیری دختران نوجوان

جعفر اکبری، اصغر جعفری ✉

چکیده	دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۱۴ اصلاح مقاله: ۱۳۹۹/۰۴/۱۰ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۹/۰۴/۲۵
زمینه و هدف: هدف از پژوهش حاضر آموزش شیوه‌های فرزندپروری به مادران در بهبود مسئولیت‌پذیری فرزندان دختر نوجوان بود. روش پژوهش: این پژوهش نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه بود که از بین مادران دانش‌آموزان دختر مقطع اول متوسطه مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره آموزش و پرورش منطقه ۴ تهران نمونه‌ای به حجم ۴۰ نفر از مادران این دانش‌آموزان به شیوه در دسترس انتخاب و به‌صورت تصادفی در دو گروه ۲۰ نفره آزمایش و گواه جایگزین و گروه آزمایش در معرض متغیر مستقل آموزش شیوه‌های فرزندپروری قرار گرفت. پیش از انجام مداخلات درمانی روی مادران، دختران هر دو گروه این مادران به پرسشنامه مسئولیت‌پذیری کرمی و نعمتی (۱۳۸۶) را اجرا و پس از گذشت هفت جلسه ۹۰ دقیقه‌ای مجدداً از دختران هر دو گروه به‌صورت هم‌زمان به پرسشنامه مسئولیت‌پذیری پاسخ دادند که داده‌ها با استفاده از SPSS-19 و با آزمون تحلیل کوواریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که آموزش شیوه‌های فرزندپروری به مادران در خرده مقیاس‌های خود مدیریتی، نظم دهی، قانون‌مندی، امانت‌داری و وظیفه‌شناسی در گروه آزمایش افزایش یافته است ($p < 0/001$) و در خرده مقیاس‌های سازمان‌یافتگی و پیشرفت‌گرایی تأثیر چندانی نداشت ($p > 0/05$). نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد که آموزش شیوه‌های فرزندپروری به مادران در گروه آزمایش باعث بهبود مسئولیت‌پذیری در نمونه مورد پژوهش شده است.	واژه‌های کلیدی: شیوه‌های مسئولیت‌پذیری، دختران نوجوان فرزندپروری
نوع مقاله: پژوهشی اصیل	نحوه ارجاع دهی به مقاله: اکبری، ج، و جعفری، ا. (۱۳۹۹). اثر بخشی شیوه‌های فرزندپروری به مادران در بهبود مسئولیت‌پذیری دختران نوجوان. دوفصلنامه مطالعات روانشناختی نوجوان و جوان، (۱): ۹۳-۱۰۵
۱. جعفر اکبری، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مشاوره، دانشکده روانشناسی و مشاوره، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران؛ ۲. اصغر جعفری: استادیار گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، ایران	
✉ مکاتبات مربوط به این مقاله باید خطاب به اصغر جعفری ، استادیار گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، ایران باشد. پست الکترونیکی: as_jafari@sbu.ac.ir	

مقدمه

محیط خانواده مساعدترین مکان برای رشد فرزندان و تعالی فکری و جسمی آنهاست و در صورت برخورداری از تربیت و حفاظت از سوی والدین، آنها می‌توانند به عنوان سرمایه‌ای گران‌بها وارد جامعه شوند؛ اما زمانی که والدین برخلاف مسئولیت خود عمل کرده و در تربیت فرزندان خود سهل‌انگاری کنند، آن زمان فرزندان پرورش یافته در این نوع خانواده به سهولت در معرض مشکلات رفتاری متعدد در طول مرحله رشد قرار می‌گیرند (۱). یکی از روش‌های برخورد با مشکلات رفتاری روش «مسئولیت دادن» است. اصل مسئولیت عبارت است از: «افزایش مقاومت فرد در برابر شرایط، تا به جای پیروی از فشارهای بیرونی از الزام‌های درونی تبعیت کند که احساس مسئولیت یا احساس تکلیف نامیده می‌شود (۲). به عبارت دیگر، معنای مسئولیت این است که مددجو دیگران را به خاطر احساسات، افکار، تکانه‌ها و رفتارهای خود سرزنش نکند و مسئولیت آنها را بپذیرد و بداند آنچه را به دیگران نسبت می‌دهد (فرافکنی‌ها) در واقع متعلق به خود اوست (۳).

در انسان، دو نوع خود وجود دارد: خود طبیعی و خود معقول؛ و به تبع آن، دو نوع مسئولیت ایجاد می‌شود: مسئولیت عمومی و مسئولیت عالی. اولی ناظر بر مسئولیت خود طبیعی است و دومی ناظر بر مسئولیت ایجاد شده در خود معقول. مورد اخیر در حیطه ارزش‌های عالی قرار می‌گیرد و ضامن عمل به آن شخصیت انسان است، نه اجبار عوامل خارج از شخصیت؛ مانند مقررات اجتماعی و کیفر و پاداش‌های بیرونی (۴). حوزه مسئولیت انسان شامل مسئولیت فردی، خانوادگی، اجتماعی، نزدیکان، و مسئولیت در برابر عهد و پیمان الهی است. تناسب تکلیف با توان فرد و عمل به تکالیف از جمله نکات مهم در جهت افزایش مسئولیت است. تناسب تکلیف با ظرفیت و توان نوجوان از بروز احساس شکست در او جلوگیری می‌کند؛ احساسی که منجر به تسلیم شدن و سلب مسئولیت فرد می‌شود. در حوزه عمل قرار گرفتن نیز موجب افزایش حس مسئولیت شده، یک احساس ارزشمند و عشق را در دل انسان پدید می‌آورد،

اما قرار گرفتن در دایره «آرزوها»، به بی‌اعتنایی نسبت به پذیرش مسئولیت و سلب اختیار و در نتیجه «شکست» می‌انجامد؛ شکستی که احساس بی‌ارزشی را در پی دارد (۵).

از جمله روش‌های پر کاربرد برای پذیرش مسئولیت در نوجوانان می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. روش تکلیف به قدر وسع و توان فرد؛
۲. روش مدارا با خویشتن و اعطای مسئولیت‌هایی متناسب با علایق و گرایش‌های فرد؛
۳. روش مواجهه با نتایج اعمال و تکیه بر قضاوت فرد نسبت به عملکرد خود با استفاده از فن سؤال باز و انعکاس احساسات؛
۴. روش ابتلا و قرار دادن فرد در موقعیت‌های متفاوت (۴).

والدینی که در ارتباطات خود متزلزل، فاقد اطمینان خاطر و بی‌ثبات‌اند، در نحوه تربیت فرزندان با یکدیگر توافق ندارند، از الگوهای فرزند پروری مبتنی بر طرد، حمایت افراطی با اغماض یا تسلط، انضباط دوگانه، سستی موازین اخلاقی، کمال‌جویی‌های غیرمنطقی و عصبانیت و بی‌ثباتی عاطفی استفاده می‌کنند، رفتارهای نوروتیک را در کودکان تثبیت می‌کنند و سبب می‌شوند که کودکان از نظر هیجانی و عاطفی نیازمندتر شده و در چنین شرایطی از حس اعتماد، امنیت و حس مسئولیت‌پذیری که اساس تحول هیجانی سالم محسوب می‌شود، ناکام بمانند (۶). بامریند (۷) سبک فرزندپروری را به عنوان کارکرد کنترلی والدین معرفی می‌کند و با توجه به ابعاد رفتاری گرمی و کنترل آن را به انواع مستبدانه (Authoritarian)، مقتدرانه (Authoritative)، و سهل‌گیرانه (Permissive) تقسیم می‌کند. سبک فرزندپروری مستبدانه، با کنترل سخت، سطح محدودیت بالا، انضباط ناپایدار و خشن، میزان پایین حمایت عاطفی و گرمی مشخص می‌گردد. والدین با این سبک فرزندپروری فاقد گرمی و صمیمیت در روابط خود با فرزندان هستند و انتظار دارند که فرزندان خواسته‌ها و تقاضاهای آنها را بی‌چون و چرا برآورده کنند (۹ و ۱۰). نتایج پژوهش‌ها نشان داده است که والدین با سبک

در سنین بزرگسالی رنج می‌برند (۱۷). این کودکان مطیع و پیرو، دارای پیشرفت تحصیلی و ادراک خود پایین، و سطوح بالای اختلال‌های روانی و جسمی هستند (۱۸) و (۱۹). مطالعاتی که در زمینه کودکان پیش‌دستانی انجام شده است، نشان می‌دهند در خانواده‌هایی که کودکان دچار مشکلات رفتاری هستند، عقاید تربیتی اقتدارگرای زیاد (۲۰)، منفی‌گرایی مادرانه بیش از حد و سردی در روابط والد-کودک (۲۱) دیده می‌شود و شیوه‌های انضباطی سخت‌گیرانه مادران منجر به افزایش هیجان‌های منفی و اجتماعی بودن پایین کودکان می‌شود (۲۲).

سبک فرزندپروری مقتدرانه با رفتارهای ضداجتماعی رابطه منفی دارد (۲۳). کودکان این والدین از لحاظ پیامدهای اجتماعی-هیجانی و تحصیلی در وضعیت مطلوبی قرار دارند (۲۴)، از عزت‌نفس بالایی برخوردارند و گرایش به خوداتکایی، خودکنترلی، و کنجکاوی در آن‌ها زیاد است (۱۷). کودکان چنین والدینی دارای سطوح بالای شایستگی، پیشرفت تحصیلی، رشد اجتماعی و خود ادراکی هستند (۱۹) و مشکلات روان‌شناختی و رفتاری کمتری را نسبت به دو سبک دیگر نشان می‌دهند (۱۷). سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه به علت فقدان نظارت از طرف والدین با بزهکاری و پرخاشگری فرزندان (۹) و پیشرفت تحصیلی ضعیف، بزهکاری زیاد و عملکرد پایین روان‌شناختی (۱۳) ارتباط دارد. کودکان با والدین سهل‌گیر مهارت‌های اجتماعی و عزت‌نفس پایینی دارند (۱۲) و اغلب خودخواه، وابسته، و ضد اجتماعی به نظر می‌رسند (۱۷). مسئولیت‌پذیری معمولاً در خانواده‌هایی که شیوه فرزند پروری اقتدار منطقی را در پرورش فرزندان به کار می‌گیرند نیرومندتر است. خانواده‌هایی که در شیوه فرزند پروری خود از اصل همکاری، پذیرش مسئولیت و دموکراسی در روابط پیروی می‌کنند، توانایی بیشتری برای انطباق با تغییرات دارند و شرایط مناسبی برای رشد فرزندان خود فراهم می‌کنند. در خانواده با الگوی سالم، اعضای خانواده مورد حمایت همدیگر هستند؛ انتظارات مربوط به نقش‌های افراد روشن و دارای انعطاف است و مقررات خانواده واضح و انعطاف‌پذیر و نه بی‌مرز است (۲۵)؛ بنابراین این می‌تواند

فرزندپروری مستبدانه بیشتر از رویکرد تنبیهی شامل تهدید، انتقاد و دیکته کردن قوانین به صورت اجباری استفاده می‌کنند (۱۱) و خودپیروی کودکان‌شان را محدود می‌کنند و خودشان تصمیم می‌گیرند که چه رفتارهایی برای فرزندشان مناسب است (۱۲).

سبک فرزندپروری مقتدرانه با ترکیبی از کنترل و حمایت عاطفی بالا، سطح مناسب استقلال و روابط دوسویه بین والدین و کودک شناسایی می‌شود. والدین با این سبک تربیتی به صورت افرادی گرم و صمیمی توصیف شده‌اند؛ آن‌ها در عین حال که بر رفتارهای کودکان‌شان کنترل دارند، برای خواسته‌هایی که از فرزندان خود انتظار دارند نیز از دلایل و توضیحات منطقی استفاده می‌کنند و قواعد آشکاری را برای رفتار مناسب فرزندان خود تعریف می‌کنند؛ این سبک فرزندپروری با پیامدهای مثبت همچون پیشرفت تحصیلی بالا، اتکای به خود بالاتر، مسئولیت‌پذیری و روابط بهتر با هم‌تایان رابطه دارد (۸) و (۱۰). سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه با فقدان کنترل والدین و پاسخ‌دهی به خواسته‌های کودک مشخص می‌شود؛ والدین سهل‌گیر سعی دارند برای کودکان خود محیطی گرم، آرام و پذیرا به وجود آورند، با این حال بر اعمال فرزندان خود کنترل و نظارت ندارند (۱۳). والدینی که از سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه استفاده می‌کنند از اعمال قواعد ناپایدار یا فاقد ساختار استفاده می‌کنند. هر چند ممکن است این والدین، با عاطفه باشند، ولی شکست آن‌ها در نظم دهی به رفتار کودکان‌شان می‌تواند به عزت‌نفس پایین منجر شود، زیرا کودکان نیز در یادگیری شکل‌های مناسب خود نظم‌بخشی با شکست مواجه می‌شوند (۱۱).

نحوه تربیت و سبک فرزندپروری والدین، یکی از مهم‌ترین عوامل تحول و پایداری مشکلات رفتاری فرزندان محسوب می‌شود (۱۴ و ۱۵). سبک فرزندپروری مستبدانه والدین با پیامدهای رفتاری منفی همچون پرخاشگری (۱۶)، اختلال‌های برون‌نمود (externalized) و درون‌نمود (externalized)، و کارکرد هیجانی پایین‌تر در ارتباط است (۹ و ۱۰). کودکان این والدین به مشارکت و همکاری تمایلی ندارند و از عزت‌نفس پایین، افسردگی و مشکلات در تصمیم‌گیری

جدید تدریس شد. برای ارائه مطلب جدید این اقدام صورت گرفت:

ابتدا هدف‌های رفتاری روی تابلو نوشته شد تا مادران سریع‌تر بتوانند خود را با مطالب هماهنگ کنند. مرحله‌ی بعد ارزشیابی پیش دانسته‌های مادران بود که برای این کار یک سری سؤالات شفاهی پرسیده شد تا میزان آشنایی مادران با مطلب جدید مشخص شود. بعد از ارزیابی پیش دانسته‌ها درس جدید ارائه شد. ابتدا توضیحات کامل در مورد مطلب جدید داده شد و نکته‌های مهم روی تابلو یادداشت شده و از مادران خواسته شد که نکات مهم را یادداشت و در منزل مطالعه کنند. در هر جلسه سؤالات به صورت شفاهی در مورد مطلب جدید، به منظور بالا بردن توانایی مادران برای شرکت در بحث و صحبت در مقابل جمع پرسیده شد و آخرین اقدام در هر جلسه تعیین تکلیف و تمرین برای جلسه بعد بود که در ابتدای هر جلسه مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه و در جدول ۱ خلاصه‌ای جلسات آموزشی ارائه شده به مادران گزارش شده است.

ابزار پژوهش

پرسشنامه مسئولیت‌پذیری نوجوان (Adolescent Responsibility Questionnaire): این پرسشنامه ۵۰ سؤالی توسط نعمتی و کرمی در سال ۸۶ ساخته شده است. پرسشنامه مسئولیت‌پذیری نوجوانان ۷ عامل را (خود مدیریت، نظم‌پذیری، قانونمندی، امانت داری، وظیفه‌شناسی، سازمان‌یافتگی و پیشرفت‌گرایی) و به روش لیکرت ۵ گزینه‌ای می‌سنجد. در سؤالاتی که مستقیم نمره‌گذاری می‌شوند، اگر آزمودنی گزینه‌ی کاملاً مخالف را انتخاب کند نمره ۱ و اگر گزینه‌ی مخالف را انتخاب کند نمره ۲، اگر گزینه‌ی بی‌نظر را انتخاب کند نمره ۳، اگر گزینه‌ی موافق را انتخاب کند نمره ۴ و اگر گزینه‌ی کاملاً مخالف را انتخاب کند نمره ۵ می‌گیرد. نمره‌گذاری سؤالات معکوس بر عکس می‌باشد (یعنی سؤال‌های ۶، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۶، ۱۸، ۲۰، ۲۲، ۲۴، ۲۶، ۲۸، ۳۰، ۳۲، ۳۴، ۳۶، ۳۸، ۴۰، ۴۲، ۴۴ و ۴۶). در محاسبه‌ی پایایی از روش همسانی درونی ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۹۱ به دست آمد؛ ضریب

اذعان کرد که خانواده از عوامل مؤثر بر تقویت رفتار مسئولانه نوجوان است و پژوهشگر در این پژوهش درصدد است به طور خاص بر میزان تأثیر سبک‌های والدینی (شیوه‌های فرزندپروری) بر مسئولیت‌پذیری دختران نوجوان پاسخ دهد.

روش پژوهش

این پژوهش، به صورت نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل انجام شد. جامعه آماری پژوهش حاضر، مادران دانش‌آموزان دختر مقطع اول متوسطه مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره آموزش و پرورش منطقه ۴ تهران بود که پس از بررسی جامعه مورد پژوهش و انتخاب ۴۰ نفر از مادران این دانش‌آموزان به صورت تصادفی در دو گروه ۲۰ نفره آزمایش و کنترل جایگزین و گروه آزمایش در معرض متغیر مستقل (آموزش شیوه‌های فرزندپروری) قرار گرفت.

ملاک‌های ورود، اشتغال به تحصیل و دامنه سنی ۲۰ الی ۳۵ سال بود و ملاک‌های خروج، سابقه بیماری‌های شدید جسمانی از جمله مشکلات تیروئید و مشکلات جسمانی-حرکتی، و همچنین سابقه اختلالات حاد روان از جمله افسردگی اساسی و اختلالات سایکوتیک بود که از طریق مصاحبه بالینی ساختاریافته بر اساس DSM-۷ انجام شد. همچنین برای حذف اثر رگرسیون، افرادی که نمرات حاصل از پرسشنامه تنظیم هیجان آن‌ها در دامنه‌های انتهایی قرار گرفته بود، از پژوهش کنار گذاشته شدند.

روش اجرای پژوهش

آزمودنی‌های گروه آزمایش به مدت ۷ جلسه ۹۰ دقیقه، یک‌بار در هفته از روش یادگیری مشارکتی و فنونی چون سخنرانی، بحث و گفتگو، پرسش و پاسخ در معرض آموزش قرار گرفت. فعالیت‌هایی که در هر جلسه انجام شد به این صورت بود که: در هر جلسه ابتدا تکالیفی که در جلسه قبل به آنان داده، بررسی و اشکالاتی را که دارند برطرف، و اقدامات لازم جهت رفع آن‌ها به عمل آمد، سپس از مطالب جلسه قبل سؤالاتی از شرکت‌کنندگان پرسیده و بعد از این که مشخص شد مادران مطالب جلسه قبل را به خوبی آموخته‌اند مطلب

۰/۴۸ و ۰/۷۸ و اکثراً بالا بوده است. بررسی روایی سازه از طریق تفاوت‌های گروهی نیز بر روی دو گروه با مسئولیت‌پذیری بالا و پایین، با استفاده از آزمون t برای گروه‌های مستقل صورت گرفت که نتایج تفاوت معناداری را در تمامی ۷ عامل ذکر شده نشان داد (۲۶). در پژوهش حاضر نمره کل مسئولیت‌پذیری برابر با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۹ به دست آمد؛ همچنین ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های خود مدیریتی برابر با ۰/۸۱، نظم‌پذیری برابر با ۰/۸۴، قانون‌مندی برابر با ۰/۸۳، امانت‌داری برابر با ۰/۸۰، وظیفه‌شناسی برابر با ۰/۷۹، سازمان‌یافتگی برابر با ۰/۸۳ و خرده مقیاس پیشرفت‌گرایی برابر با ۰/۸۱ به دست آمد.

همبستگی برای ۷ عامل این پرسشنامه به ترتیب از عامل اول تا هفتم بدین ترتیب است: عامل اول ۰/۷۸، عامل دوم ۰/۸۶، عامل سوم ۰/۸۰، عامل چهارم ۰/۵۵، عامل پنجم ۰/۵۵، عامل ششم ۰/۶۰، عامل هفتم ۰/۵۲. همچنین ضرایب پایایی حاصل از روش بازآزمایی در عامل‌ها چنین بوده است. عامل اول ۰/۸۶، عامل دوم ۰/۹۴، عامل سوم ۰/۹۴، عامل چهارم ۰/۸۵، عامل پنجم ۰/۸۱، عامل ششم ۰/۹۲، عامل هفتم ۰/۸۰ که همه نشان دهنده پایایی مطلوب و مناسب آزمون است (۲۶). روایی آزمون توسط دو روش محتوایی و روایی سازه مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که آزمون از ۷ عامل تشکیل شده و اشتراکات سؤال‌ها (همبستگی تک‌تک سؤالات با مفهوم کلی آزمون یعنی مسئولیت‌پذیری) بین

جدول ۱. جلسات آموزش شیوه‌های فرزندپروری

تعداد جلسات	محتوای جلسات	اهداف	تکلیف
اول	آشنایی و معرفی - اهمیت تعلیم و تربیت آن - آشنایی با اصول آموزش و پرورش - آشنایی با مراحل رشد کودکان و همچنین خصوصیات این دوره	مقدمه - تعلیم و تربیت و تأثیر آن در خانواده	آموزش و تمرین آرمیدگی و تمرین کاهش فشار عصبی
دوم	رفتار کودک چه زمانی غیرعادی به شمار می‌آید - انواع مشکلات رفتاری نوجوانان و نحوه برخورد با این مشکلات	مشکلات رفتاری ویژه نوجوانان	در طول یک هفته پیامدها و مشکلات رفتاری فرزندان خود را یادداشت کنید.
سوم	چگونه می‌توانیم پدر و مادری شایسته باشیم - آشنایی با اصول فرزندپروری (مانند داشتن انتظار همکاری، برقراری ارتباط با فرزندان، شنونده شایسته برای فرزندان، انضباط معقول و ثابت قدم بودن، مسئولیت‌پذیری) - آشنایی با مفاهیم مسئولیت و رفتارهای مسئولانه	اصول اولیه آماده‌سازی والدین و فرزندان برای تعلیم و تربیت	بعضی از روش‌های انضباط مؤثر را که مناسب رفتار و سن فرزندان است به کار برید و نتیجه را مشاهده کنید - گوش کردن بازتابی بر پیام من را به کار برید و نتایج آن را مشاهده کنید.
چهارم	تعریف فرزندپروری و آشنایی با آن - آشنایی با انواع شیوه‌های فرزندپروری و توضیح شیوه‌های فرزندپروری اقتدار منطقی - آشنایی با نحوه مسئولیت‌پذیری - بازتاب این شیوه بر روی فرزندان -	شیوه‌های فرزندپروری (مهارت‌های فرزندپروری)	به موضوع‌هایی که فکر کنید که می‌خواهید در مورد آن‌ها به فرزندان حق انتخاب دهید. مسئولیت‌پذیری را به فرزندان آموزش دهید - اطمینان حاصل کنید که می‌توانید انتخاب او را بپذیرید.

پنجم	آشنایی با شیوه‌ی فرزندپروری آزاد گذاری- آشنایی با والدینی که از این روش استفاده می‌کنند- بررسی ویژگی‌های افراد مسئولیت‌پذیر- بازتاب این روش بر روی فرزندان	شیوه‌های فرزندپروری (مهارت‌های فرزندپروری)-	در مورد پرورش فرزند چه احساسی داشتید؟ بین حالا چه احساسی می‌کنید.
ششم	آشنایی با شیوه‌های فرزندپروری استبدادی- آشنایی با ویژگی‌های ارتباط مؤثر و مسئولانه- بازتاب این شیوه بر روی فرزندان- مقایسه‌ی آن با دیگر شیوه‌ها و کشف بهترین شیوه-	شیوه‌های فرزندپروری (مهارت‌های فرزندپروری)- طرح‌ریزی رفتار مسئولانه	ارزیابی رفتار مسئولانه فرزندان و قضاوت ارزشی در مورد آن
هفتم	مروری بر شیوه‌های فرزندپروری و رفتار مسئولانه- خلاصه و جمع‌بندی- نتیجه‌گیری	خلاصه و جمع‌بندی و انجام پس‌آزمون	

۳۹/۸۷ (۴/۵۶) و مادران گروه گواه ۴۰/۱۴ (۴/۷۴) بود. ۱۰ نفر از مادران گروه آزمایش دارای تحصیلات دیپلم، ۴ نفر فوق‌دیپلم و ۶ نفر لیسانس و همچنین ۸ نفر از مادران گروه گواه دارای تحصیلات دیپلم، ۶ نفر فوق‌دیپلم و ۶ نفر دارای تحصیلات لیسانس بودند.

یافته‌ها

میانگین و انحراف استاندارد دختران نوجوان گروه آزمایش ۱۵/۳۸ (۲/۴۴) و دختران گروه گواه ۱۵/۸۴ (۲/۶۲) و میانگین سنی مادران گروه آزمایش

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی مسئولیت‌پذیری و خرده‌مقیاس‌های آن برای گروه‌های آزمایش و گواه (N=۴۰)

پس‌آزمون		پیش‌آزمون		شاخص‌های آماری	
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	گروه	متغیر
۸/۲۲	۲۰۳/۸۵	۶/۳۹	۱۷۲/۷۵	آزمایش	مسئولیت‌پذیری
۳/۶۴	۱۶۹/۱۰	۵/۸۹	۱۷۶/۰۰	گواه	
۳/۴۳	۴۰/۱۰	۱/۵۸	۳۱/۷۵	آزمایش	خود مدیریتی
۱/۶۹	۳۲/۸۵	۱/۹۲	۳۲/۳۰	گواه	
۲/۵۳	۴۱/۰۰	۲/۲۷	۳۵/۶۵	آزمایش	نظم‌پذیری
۲/۱۸	۳۴/۱۵	۲/۰۶	۳۵/۸۰	گواه	
۳/۴۵	۴۳/۳۰	۴/۸۲	۳۴/۶۵	آزمایش	امانت‌داری
۲/۲۰	۳۳/۳۰	۲/۵۸	۳۶/۲۰	گواه	
۱/۷۳	۲۴/۸۰	۲/۱۷	۲۳/۱۰	آزمایش	وظیفه‌شناسی
۱/۵۳	۲۱/۶۵	۱/۷۶	۲۴/۰۵	گواه	
۱/۷۷	۱۷/۹۰	۱/۴۴	۱۷/۱۰	آزمایش	سازمان‌یافتگی
۱/۵۱	۱۶/۱۰	۱/۵۱	۱۶/۲۵	گواه	
۱/۹۸	۱۶/۳۵	۱/۳۰	۱۵/۸۵	آزمایش	پیشرفت‌گرایی
۱/۳۰	۱۵/۸۵	۱/۰۰	۱۶/۵۰	گواه	

همان‌طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌کنید، شاخص‌های توصیفی نمره کل مسئولیت‌پذیری و خرده مقیاس مسئولیت‌پذیری در دو گروه نمونه آزمایش و کنترل در پیش‌آزمون و پس‌آزمون گزارش شده است؛ که نتایج

نشان از تغییر در نمرات پس‌آزمون دارد. در ادامه به بررسی فرضیه‌های پژوهش با استفاده از تحلیل کوواریانس تک متغیری و چند متغیری پرداخته شده است.

جدول ۳. نتایج تحلیل کوواریانس تک متغیری برای بررسی تأثیر آموزش شیوه‌های فرزندپروری به مادران در بهبود مسئولیت‌پذیری دختران نوجوان

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	نسبت F	سطح معناداری
همپراش (مسئولیت‌پذیری پیش‌آزمون)	۰/۶۱	۱	۰/۶۱	۶۹/۹۷	۰/۰۰۱
اثر اصلی آموزش	۱۱۲۰۵/۷۰	۱	۱۱۲۰۵/۷۰		
خطای باقیمانده	۱۵۳۵/۷۳	۳۷	۴۱/۵۰		

نتایج جدول فوق نشان داد که نسبت F محاسبه شده (F=۶۹/۹۷) در سطح معناداری P=۰/۰۱ نشان از تأثیرگذاری آموزش شیوه‌های فرزندپروری به مادران در گروه آزمایش در نمره کل مسئولیت‌پذیری دختران نوجوان بود. برای بررسی تأثیرپذیری آموزش شیوه‌های فرزندپروری بر خرده مقیاس‌های مسئولیت‌پذیری از تحلیل و کوواریانس چند متغیری استفاده شد که در ادامه نتایج آن گزارش شده است.

جدول ۴. نتایج تحلیل کوواریانس برای تأثیر آموزش شیوه‌های فرزندپروری به مادران دختران نوجوان در خرده مقیاس‌های مسئولیت‌پذیری

متغیر	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	نسبت F	سطح معناداری
خود مدیریتی	همپراش (خرده مقیاس خود مدیریتی پیش‌آزمون)	۰/۷۴	۱	۰/۷۴	۶۹/۱۳	۰/۰۰۱
	اثر اصلی آموزش	۵۱۸/۶۹	۱	۵۱۸/۶۹		
	خطای باقیمانده	۲۷۷/۶۰	۳۷	۷/۵۰		
نظم‌پذیری	همپراش (خرده مقیاس نظم‌پذیری پیش‌آزمون)	۱۲/۶۰	۱	۱۲/۶۰	۸۷/۷۳	۰/۰۰۱
	اثر اصلی آموزش	۴۷۴/۰۸	۱	۴۷۴/۰۸		
	خطای باقیمانده	۱۹۹/۹۴	۳۷	۵/۴۰		
قانون‌مندی	همپراش (خرده مقیاس قانون‌مندی پیش‌آزمون)	۰/۱۷	۱	۰/۱۷	۱۱۰/۹۵	۰/۰۰۱
	اثر اصلی آموزش	۹۵۴/۲۷	۱	۹۵۴/۲۷		
	خطای باقیمانده	۳۱۸/۲۲	۳۷	۸/۶۰		
امانت‌داری	همپراش (خرده مقیاس امانت‌داری پیش‌آزمون)	۰/۶۳	۱	۰/۶۳	۳۵/۶۰	۰/۰۰۱
	اثر اصلی آموزش	۹۷/۲۸	۱	۹۷/۲۸		
	خطای باقیمانده	۱۰۱/۱۱	۳۷	۲/۷۳		

۰/۰۰۱	۱۳/۸۹	۴/۹۳	۱	۴/۹۳	همپراش (خرده مقیاس وظیفه‌شناسی پیش‌آزمون)	وظیفه‌شناسی
		۳۷/۰۵	۱	۳۷/۰۵	اثر اصلی آموزش	
		۲/۶۶	۳۷	۹۸/۶۶	خطای باقیمانده	
۰/۳۷	۰/۸۲	۰/۰۰۶	۱	۰/۰۰۶	همپراش (خرده مقیاس سازمان‌یافتگی پیش‌آزمون)	سازمان‌یافتگی
		۲/۳۷	۱	۲/۳۷	اثر اصلی آموزش	
		۲/۸۹	۳۷	۱۰۷/۰۹	خطای باقیمانده	
۰/۱۷	۱/۹۱	۵/۵۹	۱	۵/۵۹	همپراش (خرده مقیاس پیشرفت‌گرایی پیش‌آزمون)	پیشرفت‌گرایی
		۵/۲۱	۱	۵/۲۱	اثر اصلی آموزش	
		۲/۷۱	۳۷	۱۰۰/۵۵	خطای باقیمانده	

بررسی تحلیلی شاخص‌های توصیفی متغیر مسئولیت‌پذیری در دو گروه آزمایش و گواه با توجه به نتایج جدول ۲ میانگین و انحراف استاندارد پیش‌آزمون در گروه آزمایش ۱۷۲/۷۵ (۶/۳۹) و میانگین و انحراف استاندارد در گروه گواه ۱۷۶/۰۰ (۵/۸۹) به دست آمد؛ همچنین با توجه به نتایج جدول ۲ میانگین و انحراف استاندارد پس‌آزمون در گروه آزمایش ۲۰۳/۸۵ (۸/۲۲) و میانگین و انحراف استاندارد پس‌آزمون در گروه گواه ۱۶۹/۱۰ (۳/۶۴) به دست آمد. همچنین تحلیل کوواریانس تک متغیری و چند متغیری نشان داد آموزش شیوه‌های فرزندپروری به مادران در گروه آزمایش باعث بهبود مسئولیت‌پذیری و خرده مقیاس‌های خود مدیریتی، نظم‌پذیری، قانون‌مندی، امانت‌داری و وظیفه‌شناسی در مادران دارای دختر نوجوان مورد پژوهش شده است. در مقایسه تطبیقی در زمینه موضوع فرضیه اصلی مطرح‌شده، یافته‌های این پژوهش در تحقیقات پژوهشگران داخلی با پژوهش‌های شیخ‌الاسلامی و برزو (۲۷)، کرمی و همکاران (۲۸)، سفیری و چشمه (۷) و هدایتی و همکاران (۲۵) همسو می‌باشد. همچنین یافته‌های این پژوهش در تحقیقات پژوهشگران خارجی نیز با پژوهش‌های گاستلو و همکاران (۲۹)، همیلتون (۳۰)، بریکلند و همکاران (۳۱)، اشمید (۳۲) و برون-تینکیو و همکاران (۳۳) همخوان می‌باشد. با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان چنین تبیین کرد که مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین مرحله‌ی زندگی هر فرد

نتایج جدول ۴ نشان داد که آموزش شیوه‌های فرزندپروری به مادران دختران نوجوان در خرده مقیاس خود مدیریتی ($F=۶۹/۱۳$, $P=۰/۰۰۱$)، خرده مقیاس نظم‌پذیری ($F=۸۷/۷۳$, $P=۰/۰۰۱$)، خرده مقیاس قانون‌مندی ($F=۱۱۰/۹۵$, $P=۰/۰۰۱$)، خرده مقیاس امانت‌داری ($F=۳۵/۶۰$, $P=۰/۰۰۱$) و خرده مقیاس وظیفه‌شناسی ($F=۱۳/۸۹$, $P=۰/۰۰۱$) مؤثر بوده ولی در خرده مقیاس‌های سازمان‌یافتگی ($F=۰/۸۲$, $P>۰/۳۷$) و خرده مقیاس پیشرفت‌گرایی ($F=۱/۹۱$, $P>۰/۱۷$) تأثیر معناداری نداشت.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر آموزش شیوه‌های فرزندپروری به مادران در بهبود مسئولیت‌پذیری فرزندان دختران نوجوان بود. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که آموزش شیوه‌های فرزندپروری به مادران در گروه آزمایش باعث بهبود مسئولیت‌پذیری در نمونه مورد پژوهش شده است، به نحوی که نمرات مسئولیت‌پذیری گروه آزمایش از (۱۷۲/۷۵) در (پیش‌آزمون) به (۲۰۳/۸۵) در (پس‌آزمون) افزایش یافته است. همچنین یافته‌ها نشان داد که آموزش شیوه‌های فرزندپروری به مادران در خرده مقیاس‌های خود مدیریتی، نظم‌دهی، قانون‌مندی، امانت‌داری و وظیفه‌شناسی در گروه آزمایش افزایش یافته است ($P=۰/۰۰۱$) و در خرده مقیاس‌های سازمان‌یافتگی و پیشرفت‌گرایی تأثیر چندانی نداشت ($p>۰/۰۵$). در

مسئولیت‌هایی را بپذیرند و پاسخگوی انتظارات والدین خود باشند. زمانی که در خانواده نظارت و کنترلی وجود نداشته باشد و فرزندان ملزم به پاسخگویی در قبال رفتارهای خود نباشند، مسئولیت‌پذیری نیز معنا نمی‌یابد (۲۸). از آنجا که انسان موجودی اجتماعی است و به منظور حفظ بقا ناگزیر است دائماً در تعامل با انسان‌های دیگر باشد. لذا برای برقراری تعامل مؤثر، همواره باید بیاموزد که چگونه در جمع زندگی کند و چگونه زمینه رضای نیازهای خود و دیگران را فراهم نماید (۳۰). تعامل مؤثر با دیگران نیازمند مجموعه‌ای از مهارت‌ها است که در صورت تسلط بر آن‌ها، می‌تواند منجر به شکل‌گیری مسئولیت‌پذیری شود. مسئولیت‌پذیری از مفاهیم مهم در حوزه‌ی روان‌شناسی تربیتی است که در سال‌های اخیر توجه زیادی را به خود جلب کرده است (۲۸). تحقیقات متعدد انجام شده در این زمینه نشان می‌دهند که مسئولیت‌پذیری در هر جامعه‌ای موجب تنظیم روابط اجتماعی و انسانی، افزایش نوع دوستی و همدلی شده (۲۷)؛ و بر اساس آن، افراد خود را نسبت به هم وابسته احساس کرده و بر مبنای همین احساس وابستگی، سرنوشت خود را با دیگران پیوند می‌بینند، لذا در صورت فقدان مسئولیت‌پذیری، اعضای جامعه نسبت به یکدیگر و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، بی‌تفاوت و احساس بیگانگی نموده و به راحتی از کنار آسیب‌های اجتماعی موجود می‌گذرند (۳۲).

پژوهشگران عوامل مختلف و متعدد فردی و اجتماعی را در بروز رفتار مسئولیت‌پذیر، مؤثر می‌دانند. در این میان خانواده به عنوان اولین واحد اجتماعی و جامعه‌ای کوچک که هدف آن رشد و توسعه اجتماعی کودکان است، مورد تأکید قرار گرفته است. چرا که خانواده پایه‌گذار شخصیت، هویت، ارزش‌ها و معیارهای فکری فرزندان و محل یادگیری فرهنگ، هنجارها، ارزش‌ها و نقش‌های جنسیتی است (۳۰). با توجه به تأثیر خانواده بر رشد اخلاقی اولیه فرزندان، به نظر می‌رسد فرزندان مسئولیت‌پذیری را از والدین خود یاد می‌گیرند و می‌آموزند که مسئولیت عواقب اعمال خود را بپذیرند (۳۴). البته نقش خانواده در رشد هیجانی، شناختی و

نوجوانی وی است، لذا آموزش این مهم، در این سنین و حتی قبل از آن بسیار ضروری است (۲۸). اهمیت و حساسیت این دوران به‌گونه‌ای است که روسو در بحث از اسرار درون، رشد، بلوغ و نوجوانی را تولد ثانی می‌نامد. روشن است که نسل نوجوان و جوان ما در سایه‌ی پرورش و تربیت اجتماعی خانواده می‌تواند سازنده و در پی آن هدایت‌گر فردای جامعه باشد و این سازندگی هدایت‌گری نیازمند مسئولیت‌پذیری آنان است (۷). تفاوت در میزان و نحوه‌ی اجتماعی شدن افراد، تابع عوامل متعددی است که از میان آن‌ها خانواده و به‌ویژه شیوه‌ی فرزندپروری والدین تأثیر بسزایی در نوجوانان دارد. از طریق خانواده است که نوجوان یاد می‌گیرد چگونه با دیگران معاشرت کند، نظم و انضباط را در امور در اولویت قرار دهد، سازگاری داشته باشد و مسئولیت اعمال خویش را به عهده بگیرد. طرز برخورد والدین و شیوه فرزندپروری صحیح با نوجوان در مسئولیت‌پذیری آنان بسیار مهم و مؤثر است که نتایج پژوهش حاضر نیز بر آن صحنه گذاشت (۲). با توجه به نتایج به دست آمده از این پژوهش می‌توان چنین استنباط کرد که مادران با اتخاذ بهترین روش و بهترین شیوه آموزش برای ارتقای سطح جامعه‌پذیری نوجوانان می‌توانند فرزندانی مسئول پرورش داده و آینده‌ی آنان و جامعه را بسازد.

در تبیین نقش شیوه‌های فرزندپروری در مسئولیت‌پذیری نوجوانان چنین می‌توان اظهار نمود که ارتباط گرم و صمیمانه در خانواده، میزان مسئولیت و تعهد فرزندان را افزایش می‌دهد و آنان را به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و پذیرش مسئولیت مشتاق‌تر می‌کند (۲۷). والدین گرم و صمیمی فرزندان با اعتمادبه‌نفس و مسئول پرورش می‌دهند و بالطبع فرزندان برخوردار از اعتمادبه‌نفس، به میزان بیش‌تری برای تعاملات اجتماعی و پذیرش مسئولیت داوطلب می‌شوند. در واقع تمایل بیشتر والدین به گفت‌وگوشنود در خانواده همراه با گرمی و محبت، منجر به پرورش فرزندانی با مهارت ارتباطی رشد یافته تر، مهارت حل مسئله، مسئولیت‌پذیر و در نهایت مستقل‌تر می‌شود (۲۹). در صورت وجود نظارت و کنترل در خانواده، فرزندان در می‌یابند که لازم است

مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی کمی برخوردارند، می‌توان اقدامات مشاوره‌ای و درمانی نیز انجام داد. این اقدامات می‌تواند کمک مؤثری به حفظ ارتقای مشارکت اجتماعی در توسعه‌ی پایدار جامعه نماید.

موازین اخلاقی

در این پژوهش موازین اخلاقی شامل اخذ رضایت آگاهانه، تضمین حریم خصوصی و رازداری رعایت شد؛ همچنین زمان تکمیل پرسشنامه‌ها ضمن تأکید به تکمیل تمامی سؤال‌ها، شرکت‌کنندگان در مورد خروج از پژوهش در هر زمان و ارائه اطلاعات فردی مختار بودند و به آن‌ها اطمینان داده شد که اطلاعات محرمانه می‌ماند و این امر نیز کاملاً رعایت شد.

تشکر و قدردانی

از مدیر مرکز مشاوره آموزش و پرورش منطقه ۴ تهران و همه شرکت‌کنندگان در پژوهش که در اجرای این پژوهش همکاری داشتند؛ تشکر و قدردانی می‌شود.

مشارکت نویسندگان

در تدوین این مقاله همه نویسندگان در طراحی، روش‌شناسی، مفهوم‌سازی، گردآوری و تحلیل داده‌ها، پیش‌نویس، ویراستاری و نهایی سازی نقش یکسانی داشتند.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

منابع

1. Kaveh, M. Pathology of Social Diseases (Vol. I), 2012, Tehran: Sociologists Publishing, First Edition. [Persian].
2. Tabatabaie N, Tabatabaie S, Kakai Y, mohammadiAria A. The Relationship between Identity Styles and Responsibility with Educational Achievement in High School Students in Tehran. refahj. 2012; 12 (44): 23-42 [Persian].
3. Ahmadi, A. Counseling approach from the perspective of Islam, news and consulting research, 2006, 5 (6): 9-18 [Persian].
4. Clemes, H., & Bean, R. (1394). Teaching responsibility to children. Translated by Parvin Alipour. Mashhad: Astan Quds Razavi Publications, 2015 [Persian].

اجتماعی فرزندان در دوره‌های مختلف رشدی متفاوت است. شاید بتوان گفت که این نقش در انتقال فرزندان از دوره‌ی کودکی به دوره‌ی نوجوانی از اهمیت بیشتری برخوردار می‌گردد. تغییر از حالت وابستگی به استقلال و پذیرش مسئولیت برای نوجوانان به عنوان یک چالش بزرگ بشمار می‌رود، که در این میان نوع برخورد والدین و شیوه‌های فرزندپروری آن‌ها می‌تواند در کمک به نوجوانان برای رویارویی با این چالش بزرگ، اثرگذار باشد (۹). بامرند، ۱۹۹۹ در توصیف سبک‌های فرزندپروری به دو بعد اساسی محبت و کنترل اشاره دارد. منظور از بعد محبت، صمیمیت و میزان پذیرش نیازهای فرزندان از سوی والدین و منظور از بعد کنترل میدان تسلط والدین است (۲۷).

در خصوص تأثیر خانواده بر مسئولیت‌پذیری، سؤال مهمی که مطرح شده است، آن است که چگونه افراد بین پذیرش مسئولیت و منافع فردی خود تعادل ایجاد می‌کنند؟ در پاسخ به این سؤال، می‌توان به اظهارات جان دیویی، ۱۹۸۳ استناد نمود. به اعتقاد وی فرآیندهای مختلفی از جمله فرآیندی که در آن ساخت‌وساز هویت فرد تکامل می‌یابد، در ایجاد این تعادل اثرگذار است. فرآیندی که شامل ظرفیت مقابله با تنش بین دغدغه‌های اجتماعی و منافع فردی و همچنین توانایی تعادل بین زندگی فردی و پایبندی به مسئولیت‌ها و تعهدات اجتماعی است (۱۹). یافته‌های این پژوهش می‌تواند اطلاعات مهمی برای والدین، مربیان و مسئولان به همراه داشته باشد. با توجه به آن که نتایج این پژوهش حاکی از نقش آموزش شیوه‌های فرزندپروری مناسب در شکل‌گیری مسئولیت‌پذیری در نوجوانان می‌باشد، ضرورت آگاه‌سازی خانواده‌ها در خصوص اثرات روش‌های تربیتی آنان بر رشد اخلاقی و مسئولیت‌پذیری فرزندان بیش از پیش نمایان می‌شود. با آموزش شیوه‌های صحیح فرزندپروری می‌توان به ایجاد جو تربیتی مقتدرانه همراه با گرمی و محبت در خانواده‌ها کمک نمود تا از این طریق به بهبود روند شکل‌گیری هویت در نوجوانان، شرایط مشارکت و مسئولیت‌پذیری آنان در خانواده و اجتماع کمک شود. علاوه بر این با شناخت نوجوانانی که از

- and adjustment of early adolescent boys. *Child Development*, 6, 526-541.
16. Webster-Stratton, C. (2015). *Aggression in young children: Services proven to be effective in reducing aggression*. Reved. Tremblay RE, Barr RG, Peters RDeV, eds Encyclopedia on Early Childhood Development
 17. Dwairy, M., & Menshar, K. E. (2006). Parenting style, individuation, and mental health of Egyptian adolescents. *Journal of Adolescence*, 29, 103-117.
 18. Gimpel, G. A., & Holland, M. L. (2012). *Emotional and behavioral problems of young children: Effective interventions in the preschool and kindergarten years*. New York Guilford press.
 19. Sameroff, A. (2014). Parental discipline and externalizing behavior problems in early childhood: The roles of moral regulation and child gender. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 32, 369-383.
 20. Heller, T. L., Baker, B. L., Henker, B., & Hinshaw, P. (2013). Externalizing behavior and cognitive functioning from pre-school to first grade: Stability and predictors. *Journal of Clinical Child Psychology*, 25, 376-387.
 21. Campbell, S. (2010). Hard to manage pre-school boys: Externalizing, social competence, and family context at two-year follow-up. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 22, 147-166.
 22. Katanin, S. (2010). Childhood temperament and mother's child rearing attitude. *European Journal of personality*, 11, 249-265.
 23. Galambos, N. L., Barker, E. T., & Almeida, D. M. (2013). Parents do matter: Trajectories of change in externalizing and internalizing problems in early adolescence. *Child Development*, 74, 578 – 594.
 24. Bugental, D. B., & Grusec, J. E. (2016). Socialization processes. In W. Damon & R. M. Lerner (Eds. In chief) & N Eisenberg, (Vol. Ed.), *Handbook of child psychology: Vol. 3. Social, Emotional and Personality Development* (6th ed., pp. 366–428). New York: John Wiley and Sons.
 25. Hedayati, B., Fatehi Izadeh, M., Kouchkian, A., Bahrami, F., & Etemadi, A. The relationship between parenting styles and adolescent responsibility. *Marefat Quarterly*, 2008, 17 (30): 80-69. [Persian].
 26. Nemati, P., & Karami, A. *Standardization of Adolescents' Responsibility Questionnaire*. Tehran: Psychometric Publications, 2006 [Persian].
 5. Gall, D. A. (2008). Navigating a Way through Plurality and Social Responsibility, *International Journal of Art & Design Education*, 27(1), 19-26.
 6. McCarty CA, Lau AS, Valeri SM, et al. (2014). Parent- Child interactions in relation to critical and emotionally overinvolved expressed emotion: is EE a proxy for behavior? *J abnorm Child Psychol*. 2004; 32: 83-93.
 7. Safiri, K., Cheshmeh, A. Adolescent's Responsibility and Its Relationship to the Methods of Socialization in Family. *Iranian Journal of Educational Society*, 2012; 1(1): 103-130. [Persian].
 8. Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *Journal of early adolescence*, 11, 56-95
 9. Rubin, K.H., Stewart, S.L., & Chen, X. (2010). Parents of aggressive and withdrawn children. In M. Bornstein (Ed.), *Handbook of Parenting*, Vol. 1. (pp 255-284). Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
 10. Steinberg, L., Lamborn, S. D., Darling, N., Mounts, N. S., & Dornbusch, S. M. (2011). Over-time changes in adjustment and competence among adolescents from authoritative, authoritative, indulgent, and neglectful families. *Child Development*, 65, 754 – 770.
 11. DeHart, T., Pelham, B.W., & Tennen. H. (2016). What lies beneath: parenting style and implicit self-esteem. *Journal of Experimental Social Psychology*, 42, 1-17.
 12. Reitman, D., Rhode, P. C., Hupp, S. D. A., & Altobello, C. (2012). Development and validation of the parental authority questionnaire—revised. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, 24, 119–127.
 13. Haapasalo, J., & Tremblay, RE. (2014). Physically aggressive boys from ages 6 to 12: Family background, parenting behavior, and prediction of delinquency. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 62, 1044-1052.
 14. Diaz, Y. (2015). Association between parenting and child behavior problems among Latino mothers and children. *Unpublished Master Thesis*, University of Maryland, Maryland.
 15. Conger, RD., Conger KJ., Elder GH., Lorenz FO., Simons RL., & Whitbeckn., LB. (2012). A family process model of economic hardship

27. Shaykh al-Islami, R., & Borzoo, S. Parenting and responsibility in adolescents: The mediating role of identity processing styles. *Journal of Psychological Methods and Models*, 2015, 6 (19): 97-119. [Persian].
28. Karami, J., Mirjafari, A., Bakhtiyarpour, S. Effectiveness of Cognitive Group Counseling on Responsibility of pre-university Female Students in Gotvand City. *Knowledge & Research in Applied Psychology*, 2017; 15(57): 102-108. [Persian].
29. Guastello, D. D., Guastello, S. J., & Briggs, J. M. (2014). Parenting style and generativity measured in college students and their parents. *SAGE*
Open, <http://sgo.sagepub.com/content/4/1/2158244013518053.full-text.pdf+html>, 1-10
30. Hamilton, k. (2014). Influence of Parenting Styles on Adolescent Development. *Journal Of American College Health*, 60(1), 21-26.
31. Birkeland, M. S., Breivik, K., Wold, B. (2013). Peer acceptance protects global self-esteem from negative effects of low closeness to parents during adolescence and early adulthood. *Journal of Youth and Adolescence*, 10, -929-937.
32. Schmid C. (2012). The value “social responsibility” as a motivating factor for adolescents' readiness to participate in different types of political actions, and its socialization in parent and peer contexts. *Journal of Adolescence. Volume 35, Issue 3, June 2012, Pages 533–547*
33. Bronte-tinkew J, Moore K A, Carrano J. (2006). The father-child relationship parenting styles and adolescent risk behaviors in intact families. *J Famil Issues*; 2006: 27(6): 850-881.
34. Ellithorpe, M. E., Ewoldsen, D. R., & Fazio, R. H. (2013). Socialization of dissonance processes: reports of parenting style experienced during childhood moderate dissonance reactions. *Social Psychological and Personality Science*, <http://spp.sagepub.com/content/early/2013/05/07/1948550613486675>